

فرصت سوزی‌های خسارت بار در ورزش

پیشرفت ورزش استان اردبیل و دستیابی به نقطه اوج و افتخار آفرینت آرزوی همه علاقه‌مندان و هواداران می‌باشد.

هر کسی که قدمی در راه اعتلای ورزش منطقه بردارد و صادقانه به آن خدمت نماید و پشت حرفها و اقداماتش هدف و نقشه دیگری نداشته باشد، نامش به خوبی در دفتر خاطرات دوستداران به یادگار می‌ماند.

بحث مهم در راهی که به موفقیت ختم می‌شود غنیمت انگاشتن فرصت‌های به دست آمده است. غفلت‌ها به هر دلیل و علتی به ورزش ما ضرر و آسیب قابل توجه در طول تاریخ وارد کرده است.

هر کسی که در ورزش فعال بوده معتقد است در نقطه‌ای که الان قرار داریم حق و لیاقت ورزش اردبیل نیست و به تعبیری دیگر فرسنگ‌ها با آنجا که باید می‌بودیم، فاصله وجود دارد.

چرا و به چه دلیل تاکنون ورزش استان در مسیر شکوفایی و رستگاری قرار نگرفته است؟ به چه دلیل بیشتر در باد موفقیت‌ها خوابیده و به فردای رشته‌های ورزشی فکر نشده است؟ رقابت‌های داخلی مجموعه‌های مدیریتی رشته‌ها و تقابل‌های بی‌دلیل و لجاجت‌ها در ممانعت از برداشته شدن گام‌های رو به جلو چه نقشی در عدم موفقیت‌ها می‌توانند داشته باشند؟

برای این ادعا می‌توان مثال‌ها و نمونه‌های بسیاری برشمرد. گاهی لجاجت‌ها و تقابل‌ها، انرژی بسیاری از دست اندرکاران رشته‌های ورزشی را هدر می‌دهد. حرکت‌های منفعت طلبانه، گروکشی‌ها و ایجاد دست اندازهای متوالی و عمیق بر سر راه فعالیت‌ها، فرصت سوز و خسارت بار هستند.

چندی پیش بود که مجمع انتخاباتی هیئت کونگ فو استان به یکی از ورزشکاران رأی اعتماد داد. به جای ایجاد فضای همدلی و همکاری و فراهم کردن زمینه مناسب برای ایجاد تحول در حرکت رو به جلو از فردای مجمع، کاندیدای شکست خورده بنای اعتراض و تشکیک در روند انتخابات را مطرح کرد و ماه‌ها و روزها انرژی دست اندرکاران به جای برنامه‌ریزی و ترسیم نقشه راه، صرف اثبات حقانیت مجمع و سلامت

انتخابات شد.

مثال دیگر مجمع هیئت تیراندازی با کمان است. با گذشت نزدیک به شش ماه از برگزاری مجمع انتخاباتی، همچنان اعتراضها به نتیجه مجمع ادامه دارد. ناخواسته فدراسیون، اداره کل و هیئت با مسئله‌ای درگیر شده‌اند که مدت‌ها فرصت و ذهن و رمق مسئولان مربوطه به عمل و عکس‌العمل طرفین اختصاص می‌یابد.

به جای اعتراضهای کلیشه‌ای و رفتارهای ناشی از عدم تحمل واقعیتها، چه خوب بود که به خاطر ورزش همه در کنار هم قرار بگیرند، مقابل عقب‌گردها ایستادگی نمایند، عملکرد هیئت را بهبود بخشند و برای نسل آینده نمونه‌ای از همدلی و حرکت جمعی برای رسیدن به هدف را به نمایش بگذارند.

همین رفتارها، بی‌توجهی‌ها، خودمحوری‌ها، ترجیح دادن منافع شخصی و بانندی به مصلحت ورزش موجب می‌شود که هر روز بیشتر از روزهای قبل از تعداد ملی پوشان ما در رشته‌های مختلف ورزشی کاسته شود.

باز می‌توان به نمونه دیگری اشاره کرد. سالها وزنه‌برداری ایران، آسیا و جهان روی کاکل قهرمانان اردبیل چرخیده است. مدت‌ها وزنه‌برداران اردبیلی بر دسته سنگین وزن وزنه‌برداری جهان حکومت کرده‌اند. بعد از حاج حسین رضازاده، سجاد انوشیروانی و به دنبال وی سعید علی حسینی یکه تازی کردند و حالا با تأسف بیشتر، برای آنها جانشینی نمی‌توان معرفی کرد.

کسی منکر استعدادها و استحقاقها و لیافتهای جوانان اردبیلی در ورزش نیست. سابقه ورزش توقع علاقه‌مندان از قهرمانان را بیشتر می‌کند ولی متأسفانه بیشتر رشته‌های ورزشی از پشتوانه لازم بی بهره شده‌اند.

ضرب المثلی است که می‌گوید: "دوشانا دئیر قاچ، تازیا دئیر توت". برخی‌ها برای اینکه برای خود حاشیه امنی ایجاد بکنند و هر دو طرف درگیری را حفظ بکنند، رفتارشان تشدید کننده سوء تفاهمات و شعله ور کردن اختلافات است. وقتی گلایه‌ای پیش می‌آید به جای پایان دادن به آن و موضعگیری مشخص در دفاع از حق و حقیقت با زرنگی خاص به تحریک طرفین درگیر می‌پردازند و در نهایت بساط آرامش از برخی از رشته‌ها را بر می‌چینند و بر حاشیه‌ها دامن می‌زنند.

ورزش و ادامه روند رو به رشد آن جز در سایه صداقت، یک رنگی و

راست گویی امکان پذیر نمیشود. ورزش را باید از دام اختلافات نجات داد. منتهی‌هایی که بیش از هر چیز نشانه عقب ماندگی فکری و شخصیتی است برای مجموعه ورزش و رشته‌های مختلف تأثیر منفی خواهند داشت.